

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حلال و حرام در لباس

پوشیدن لباس شهرت حرام است. لباس شهرت هم دو جهت دارد؛ یکی این که به قدری شیک و گران قیمت لباس بپوشی که انگشت نما شوی؛ دیگر آن که، چنان لباس ژنده و کهنه ای بپوشی که انگشت نما شوی. طوری که دیگران بگویند عجب آدم عارفی است! عجب آدم زاهدی است! چه سَالِكِ إِلَى اللَّهِ وَ وَاصِلِ إِلَى مَرَاتِبِ الْقُرْبِ وَ ... است! پوشیدن هر دوی این لباس ها حرام است؛ چون لباس شهرت است.

لباس مورد رضایت خدا اولاً لباسی است که از راه حلال به دست بیاید. لباسی که آن را با پول حرام خریدی؛ لباسی که غصبی است؛ چنین لباسی مورد رضایت خدا نیست. لباسی که جنسش برای تو حرام است. برای آقایان لباس حریر پوشیدن حرام است؛ لباس زربفت پوشیدن حرام است. برخی لباس ها چه برای زن و چه برای مرد، برای هر دو حرام است؛ مثل لباسی که از پوست و پشم حیوانات حرام گوشت تهیه شده است. بعضی از لباس هایی که از خارج می آورند و بعضاً متدینین هم بی توجه، آن لباس ها برتنشان است؛ مثلاً چرم طبیعی است؛ چرم مصنوعی نیست. چرم طبیعی حیوانی است که هر چند حلال گوشت هم باشد، در آمریکا و اروپا آن را سر بریده اند و این چرم را از آن گرفته اند؛ تا شده کفش یا لباسی که فرد به پا یا تن کرده است. آنها که نرفتند یک ذابح مسلمان خبر کنند؛ آن حیوان را رو به قبله بخوابانند و اسم خدا ببرند؛ و با آداب ذبح اسلامی سرش را ببرند! این از نظر جنس لباس.

از نظر مقدار لباس؛ خوب ما می خواهیم رضایت خدا را در لباس تأمین کنیم. گفتیم که شکر نعمت این است که با نعمت طبق نظر مُنْعِم رفتار کنی. چه خبر است که این همه لباس می خری؟ تو سالی یک بار هم نمی توانی اینها را بر تن کنی. برای چه این همه لباس خریدی؟ این اسراف است. همان مقدار که لازم است بپوشی؛ همان قدر لباس تهیه کن. هر روز یک لباس

می‌خواهی چه کار؟! من نمی‌خواهم متعرض خانم‌ها شوم. چه کسی جرأت دارد از این جسارت‌ها کند؟ ولی دیدم بعضی از خانم‌ها می‌گویند: مجلس عروسی قبل این لباس را پوشیده‌ام؛ اگر این عروسی هم همان را بپوشم خیلی زشت است! حتماً باید یک لباس جدید بخرم! شما را به خدا آیا این اسراف نیست؟ یا عروس خانمی که می‌گوید شب عروسیم حتماً باید برایم لباس بدوزند یا خودم لباس بخرم. این لباس را در همه‌ی عمرش یک بار بیشتر بر تن نمی‌کند؛ بعد آن را در می‌آورد و چند وقت بعد هم دور می‌ریزد. چند وقت آن لباس را نگه می‌دارند؛ اما بعد می‌بینند جایشان را گرفته است. کم‌کم هم که گرد و خاک گرفت؛ لذا آن را دور می‌اندازند. شما را به خدا آیا این اسراف نیست؟ پس در مقدار لباس هم اسراف است و این خلاف رضایت منعم است.

فرم لباس هم باید طبق رضایت منعم باشد. لباسی که تَشَبُّه به کَفَّار است؛ فلان خواننده، فلان هنرپیشه، فلان مانکن، این لباس را پوشیده و من می‌خواهم شبیه او لباس بپوشم. یا آن‌گونه که اشخاصی که مسلمان نیستند؛ غیر مسلمانند؛ کافرند؛ لباس می‌پوشند؛ لباس بپوشم، این تشبّه به کَفَّار است. «وَمَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۱ کسی که به گروهی تشبّه بجوید؛ در دستگاه خدا از آن گروه به حساب می‌آید. مراقب مدل لباسی که به تمنان می‌کنیم، باشیم. همین مدل لباسی که ما مردهای ایرانی بر تن می‌کنیم؛ این خودش روزی مظهرِ بارز تشبّه به کَفَّار بود. ولی چه کنیم که ما را مبتلا کردند. این لباس مردهای ایرانی، این کت و شلوار تنگی که نشان می‌کنند؛ این از غرب آمد و به ما تحمیل شد. رضاخان به زور این لباس‌ها را جایگزین لباس اصیل ایرانی کرد. لذا روزهای اوّل قطعاً مصداق تشبّه به کَفَّار بود. این مدل لباس‌های تنگ و چسبان مردانه، با حیای یک انسانِ مؤمن، هم‌سو نیست. شما به تاریخ پوشش در ایران نگاه کنید. موزه‌های مردم‌شناسی را ببینید. لباس ایرانی‌ها چه بوده است؟ نه ایران، در تمام دنیا همین‌طور بوده است. در خود اروپا، لباس‌های مردها را ببینید. این بی‌حیایی‌ها و برهنگی‌ها در این چند سده‌ی اخیر اتفاق افتاد. خانم‌ها که رسماً لُخت شده‌اند؛ مردها هم شبیه به لُخت شده‌اند و لباس تنگ به تن می‌کنند. و الا در گذشته مردها کت‌های بلندی مثل پالتو به نام

^۱. ابن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۱۶۵.

لبّاده به تنشان بود؛ شلوارهایشان هم گشاد بود. خانم‌ها هم دامن‌های بلندی داشتند که تا روی زمین می‌رسید؛ لباس‌های گشادی به تنشان بود. بروید به موزه‌های لباس اروپا، ببینید آیا غیر از این است؟ بروید تابلوهای نقاشی‌یی را که از قرون گذشته‌ی اروپا و آمریکا در موزه‌های هنر است؛ ببینید آیا غیر از این است؟ عصر ما، عصر برهنگی شد؛ عصر برگشت به حیوانیت شد.^۲ به هر حال فرم لباس، تشبّه به کفار نباشد.

همین طور از لباس‌هایی نباشد که شخص آن را به تن می‌کند؛ اما دنباله‌اش تا دو، سه کیلومتر ادامه دارد! که ساق‌دوش‌های عروس خانم باید آن دنباله را بگیرند؛ بلند کنند که به زمین نکشد و کثیف نشود. اینها درست نیست. لباس‌های سنتی برخی آقایان هم بیش از حد گشاد است. در بعضی از مناطق ایران هم هست. شلوارهای گشادی که هر پاچه‌ی آن یک متر است. انسان تعجب می‌کند. آخر پای کوچک تو، به شلوار به این گشادی چه نیازی دارد؟! البته شاید از جنبه‌ی حیا و پوشش خوب باشد؛ ولی از جنبه‌ی اسراف، اسراف است.

لباس پوشیدن زنان شبیه مردان؛ یا مردان شبیه زنان حرام است؛ خلاف رضایت خدا است. خانم‌ها کت و شلوار می‌دوزند و تنشان می‌کنند؛ آقایان هم حتماً کم‌کم دامن و دکلته باید بپوشند. با این روندی که ما در جمهوری اسلامی داریم و با این اهمّی که مسئولین فرهنگی جامعه‌ی ما در بحث پوشش به خرج می‌دهند؛ به زودی سر از اینجا هم در می‌آوریم. به هر حال فرم لباس هم باید طبق رضایت خدا باشد.

نکته‌ی دیگر قیمت لباس است. چه خبر است؟ چه کسی به تو اجازه داده است؟ «فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ» در حلالش حساب است. حرام که جای خود دارد. «فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ»^۳. فرض کن پول را حلال حلال بدست آورده‌ای؛ خمسش را هم داده‌ای؛ در به دست آوردن، همه چیزش خوب است؛ آیا اجازه داری این همه پول برای

^۲. قرآن کریم برهنه‌سازی را سیاست و برنامه‌ی شیطان و پوشیدگی و پوشاندن را برنامه‌ی انبیاء معرفی نموده است و انسان‌ها را بر حذر داشته است که همچون پدر و مادرشان، آدم و حوا، فریب شیطان را بخورند؛ زیرا آنها را از بهشت پاکی و عفاف به ارض برهنگی و حیوانیت سقوط خواهد داد. سوره‌ی اعراف، آیه‌های ۲۰ تا ۲۷. از همین آموزه‌ی قرآنی، به سر رواج برهنگی در عصر بریدن بشر از خداوند و گسترش شیطان‌پرستی، می‌توان پی برد.

^۳. مجلسی، بحار، ج ۴۴، ص ۱۳۸.

خرید یک لباس بدهی؟ چه خبر است؟ با لباس ارزان‌تر پوشیده نمی‌شوی؟ از گرما و سرما حفظ نمی‌شوی؟ آیا واقعاً لازم است انسان این همه برای لباس خرج کند؟ پس باید ببینیم که قیمت لباس هم مورد رضایت خدا است یا نه.

نکته‌ی دیگر نوع لباس است. گفتیم نوع لباس طوری باشد که حالت افتادگی و فروتنی در انسان ایجاد کند؛ حالت توجه به خدا در انسان ایجاد کند؛ نه حالت غفلت و خود بزرگ‌بینی و تفاخر. انسان در لباس، تسلیم مدهای روز نشود؛ تسلیم تجمل‌طلبی‌های روز نشود. برخی مدها که واقعاً نشان‌دهنده‌ی این است که عقل از پیروان این مدها خداحافظی کرده است. من از آقایان بگویم. می‌بینیم بعضی از جوان‌ها، بعضی از میان‌سال‌ها، مثلاً طبق مد لباس پوشیده‌اند. یک شلوار لی بر تن کرده است که صد جای آن پاره است. می‌گویند این مدلش است. این گران‌تر از شلوارهای سالم است. جاهایی از این شلوار حتماً باید پاره شده باشد؛ جاهایی از آن باید نخ‌نما شده باشد؛ جاهایی از آن ریش ریش شده باشد. خوب شما را به خدا عقل آدم تأیید می‌کند که انسان این‌گونه لباس بر تن کند؟ چه اتفاقی افتاده است؟ مد است! خانم‌ها هم خودشان می‌دانند. من آقایان را گفتم. زورم به آقایان می‌رسد؛ به خانم‌ها نمی‌رسد.

بنابراین گفتیم شکر نعمت لباس در این است که انسان لباس را مطابق رضایت مُنعِمی که لباس را کرامتاً به بشر عنایت کرده است؛ انتخاب و استفاده کند.

بارها گفته‌ایم که ظاهر بر باطن تأثیر می‌گذارد؛ باطن انسان از ظاهر او اثر می‌پذیرد. ظاهر و باطن بر یکدیگر اثر می‌گذارند. انسان هر لباسی بپوشد؛ آن لباس بر روحیات او تأثیر می‌گذارد. انسانی که طالب تعالی روح خود است؛ طالب تکامل شخصیت انسانی خود است؛ به ظواهرش دقت می‌کند که ظواهرش، ظاهری نباشد که تأثیر مخربی بر باطنش بگذارد. این نکته‌ی بسیار مهمی است. اگر بخواهیم از جنبه‌ی لباس فرد فراتر رویم، این بحث خیلی دامنه‌دار است. شهر لباسی است که بر پیکر جامعه پوشانده می‌شود. خانه لباسی است که بر پیکر خانواده پوشانده می‌شود. طرح معماری که در ساخت خانه به کار رفته است، بر روحیات افراد خانه تأثیر می‌گذارد. شهرسازی و معماری‌یی که در شهر به کار رفته است، بر روحیات مردم شهر تأثیر می‌گذارد. اینها بحث‌هایی است که اگر بخواهیم واردش شویم؛ خیلی مفصل است. جامعه‌ی ما

چقدر از رهگذر این امر آسیب می‌بیند. معماری ساختمان‌های ما الآن چگونه است؟ آیا پیامدهای آن را نمی‌بینید؟ اول آشپزخانه‌ها اُپن شد؛ بعد کم‌کم از اُپن هم آن طرف‌تر رفت. یعنی کابینت یا دیواری که بین آشپزخانه و اتاق پذیرایی بود و حدود یک متر ارتفاع داشت؛ آن را هم از وسط برداشتند و حالا آشپزخانه و اتاق پذیرایی یک‌پارچه شده است. یعنی خانم خانه که دارد در آشپزخانه غذا می‌پزد؛ همه‌ی میهمان‌ها باید از لذت تماشای هیکل خوش‌اندام او بهره ببرند. آیا این معماری بر روحیات و فرهنگ انسان‌ها اثر ندارد؟ گفتم که نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم و مصداق‌هایش را بگویم که همین معماری چه بلایی بر سر جامعه آورده است؛ چه اتفاقات وحشتناکی در پی آورده است. خانه‌هایی که به هم مُشرف‌اند! شما می‌توانید از پنجره‌ی این اتاق، تا انتهای اتاق خواب همسایه را ببینید! این چه تأثیرات فرهنگی‌یی می‌گذارد؟ چون در غرب که فرهنگ برهنگی حاکم است، چنین است؛ ما هم باید عیناً کپی کنیم و بیاوریم اینجا؟! حرف‌های خیلی زیادی وجود دارد؛ بگذارید بگذریم. فقط خواستم بگویم لباس، تنها لباس فرد نیست؛ لباس خانواده، لباس شهر، اینها هم لباس است. چون ظاهر روی باطن اثر می‌گذارد؛ لذا انسان باید از لباسی که تأثیرات بدِ روحی، قلبی، اخلاقی، روانی بر انسان می‌گذارد؛ پرهیز کند. در جنبه‌ی فردی هم هر لباسی که می‌خواهد بخرد؛ یا مدلی که می‌خواهد طبق آن لباس بدوزد؛ باید اول ببیند چه تأثیری بر او می‌گذارد؛ بعد لباس یا مدل آن را انتخاب کند.

مراتب لباس انسان

وجود انسان مراتبی دارد و هر مرتبه‌ای از آن هم لباسی دارد. در هر یک از مرتبه‌های وجود انسان به لباسش دقت کنید. این لباسِ پارچه‌ای، ساتر بدن من است. این بدن ظاهری من هم لباس است. چه چیز را پوشانده است؟ بدن برزخی من را پوشانده است که شما نمی‌بینید؛ مگر این‌که در بین ما کسی باشد که چشم برزخی‌اش باز باشد؛ شاید هم باشد. پس بدن جسمانی من نیز لباس بدن برزخی من است. بدن برزخی ساتر نفس من است؛ لباسی است که نفس من را می‌پوشاند. نفس من ساتر قلب من است؛ لباسی است که قلب من را می‌پوشاند. قلب من ساتر روح من است. قلب هم خودش لباس است و روح را می‌پوشاند. روح من ساتر سر من

است؛ پس خود روح هم لباس است. هر مرتبه‌ای برای مرتبه‌ی عمیق‌تر وجود انسان، لباس است. سرّ من ساتر لطیفه‌ی خفیه‌ی من است. پس ببینید چقدر لباس شد! باید در هر یک از این لباس‌ها دقت کرد و آنچه که اشاره نمودیم را مراعات کرد. مصّلی و نمازگزار باید در لباسی که می‌خواهد بپوشد و با آن نماز بخواند؛ آدابی را مراعات کند.

ما هنوز وارد بحث لباس نمازگزار نشده‌ایم. نمی‌دانیم بحث نماز تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند. خودِ مقدمات نماز خیلی زیاد است؛ هم آداب لباس باقی مانده است که برایتان بگوییم؛ از دیگر مقدمات، مکان نماز است؛ وقت نماز است؛ قبله است. اینها جزء مقدمات نماز است. شاید بتوان اذان و اقامه را نیز به عنوان مقدمات نماز گفت. بحث‌های زیادی دارد. نمی‌دانیم خدا روزی کند و عمر ما کفاف بدهد که بحث نماز را تکمیل کنیم یا خیر. ولی امیدواریم خدای متعال همین نکته‌هایی که توفیق می‌دهد و گفته می‌شود را در روح و فکر و جان ما ماندگار قرار دهد. یعنی در هفته مشغول آن باشیم. اینها بحث‌های کاربردی است. در طول هفته ذهنمان را مشغول این بحث‌ها نگه داریم و ببینیم چقدر در به کار بردن آنها موفقیم؟ در بهره گرفتن از این آموزه‌های بسیار لطیف و عمیق که در نماز وجود دارد؛ تلاشمان را بکنیم. امیدواریم خدای متعال به برکت حقیقت نماز که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه‌السلام است؛ به همه‌ی ما توفیق نزدیک شدن به حقیقت نماز و صلاة را عنایت بفرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ